

دستگیری تمامی اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه

اقدامی دیگر در جهت سرکوب و انحلال تشکل های مستقل کارگری است!

طبق گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه «تمامی اعضای مجمع نمایندگان کارگری نیشکر هفت تپه و چند فعال کارگری بازداشت شدند.»

آمار و تعداد هم‌نفرات بازداشت شده به شرح زیر است:

پویا بشمه: خوراک دام - سعید منصوری: نماینده تحقیقات - جلیل احمدی: نماینده کشاورزی - عظیم سرخه: نماینده خدمات پشتیبانی - مهدی داوودی: خدمات پشتیبانی - سعید آلکثیر: حراست - امید آزادی: کارخانه شکر- سید حسن فاضلی: نماینده تجهیزات- سمیر احمدی: تجهیزات - مهندس سلامات نیا: مدیر تجهیزات مکانیکی - عماد کثیر: نماینده زیر بنایی - محمود سعدی: نماینده تجهیزات- اسماعیل بخشی: نماینده تجهیزات- سپیده غلیان: خبرنگار - مسلم آرمند: نماینده تجهیزات - مجمد خنیفر: تجهیزات- خالد تمیمی: مدیر ترابری.

این اقدام تبهکارانه نیروهای نظامی و انتظامی و دستگاه قضائی حاکم نشان دهند اراده سرمایه داران و دولت حامی آنها برای درهم شکستن تشکل های کارگری مستقل و به زانو درآوردن کارگران در پیکار برای خواست های عادلانه اقتصادی و سیاسی شان است. کارگران هفت تپه خواهان پرداخت فوری مرزها و مزایای پرداخت نشده، خواهان لغو خصوصی سازی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و همچنین خواهان شرکت در اداره این واحد بزرگ صنعتی - کشاورزی هستند. دست گیری نمایندگان کارگران هفت تپه ادامه یورش هائی است که حاکمیت طی سال های گذشته در دستگیری و سرکوب فعالان کارگری نیشکر هفت تپه به راه انداخته است. علاوه بر کارفرما و عوامل سرکوبگر حکومتی برخی عناصر راست و فرمیست در جنبش کارگری نیز این یورش های ضد کارگری را تأیید و با این کار خود را شریک جرم سرکوبگران کرده اند. همان گونه که برخی عناصر دست راستی همگام با کارگزاران دولت و دستگاه امنیتی و اطلاعاتی اش در تهران کوشیدند و می کوشند با اعلام مجمع عمومی قلابی سندیکای شرکت واحد را به انحلال بکشند. ما دستگیری

نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه را به شدت محکوم می کنیم و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و آزادی تمام کارگران، معلمان و فعالان کارگری زندانی و بازداشتی هستیم. ما برآنیم که تلاش برای آزادی فعالیت سندیکایی و حزبی، حق ایجاد و فعالیت آزاد سازمان های کارگری برای کارگران مانند هوا، آب، غذا و مسکن است. اگر کارگران نمی خواهند تنها به ابزار منافع و امیال کارفرما تبدیل شوند که هر زمان نخواست به دور اندازند، اگر کارگران می خواهند آزاد باشند و از زندگی مرفهی برای خود و خانواده شان بهره مند گردند لازم است برای دست یابی به حقوق سیاسی و برای ادارۀ کار و ادارۀ جامعه به مبارزه ای پیگیر، آگاهانه و مصممانه روی آورند.

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

زنده و پاینده باد تشکل های مستقل کارگری

شکوفای مبارزۀ سیاسی کارگران علیه حاکمیت سرمایه داری

کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

جمعی از کارگران محور تهران - کرج

کارگران پروژۀ های پارس جنوبی

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

فعالان کارگری جنوب

Kargaran.parsjonobi@gmail.com

28 آبان 1397

برنامه سخنرانی: حقوق بشر در ایران. جمعه 23 نوامبر 2018 در بروکسل

[توسط دانشگاه لائیک بروکسل و فدراسیون اروپا پرس](#)

[آفیش برنامه \(در این جا کلیک کنید\)](#)

فرمان دستگیری و ردیابی آزادخواهان را محکوم می‌کنیم!

اعلامیه

جمعیت کردهای مقیم فرانسه (پاریس)

بیش از دو ده سال پیش می‌گفتند انقلاب صنعتی رخدادی، عصر روشنگری روی نمودی و دنیا قانونمند شد است و دیگر حکومتها بر قرار موازین تعیین شد رفتار خواهند کرد، این رایجها دلنواز بودند اما، جنگ اول جهانی صدسال پیش رخداد و عظیم ترین تلفات جنگی را که تا آن روز بشر در جنگها تجربه نکرد بود سبب شد، جامعه ملل بوجود آمد و نوید ختم جنگها را فریاد کشید، دلگرمی نسلی جاگیر نشد بود که جنگ ویرانگر دوم جان بیش از ۷۰ میلیون انسان را گرفت. پیش از اینها گفته‌های وارستهای که به درستی گفت جهان وارونی قرار گرفت است و روزی می‌بایست بر سر جایش قرار بگیرد و با حکومت شوراها معرفت که گامی در پی استقرار این روند قرار بگیرد، این آرزو هم به روئیا بدل شد و دریغاً پس از آن جنگ، جنگ علیی مردمان ستمدید جهان غیر صنعتی گسترش پیدا کرد علیرغم فریاد پیشرفت بشر عصر بازگشت را تجربه می‌کنیم، اگر زمانی لینکلن و جفرسونی در آمریکا می‌گفتند: "همه انسان ها برابر خلق شده اند و خالق آنها حقوق مشخص و

غیرقابل انکاری را به آنها اعطا کرده است. این حقوق عبارتند از حق زندگی، آزادی و رسیدن به خوشبختی. " اکنون پردا داران شب حکم بر نابودی آزادی و حق حیات و خوشبختی مردمان را درشیپور می‌دمند، و اسفا که بوی جنگ و مرگ و باروت فضای جهان و بویژ خاور میانه را فرا گرفت است، سرسام آور است که قویترین دولت و ارتش دنیا همانند سیصد سال پیش درتکراس اعلام جایزه برای سر "غیر قانونیها" را صادر می‌کند، همان قانونی که خود پیش‌زی به آن ارج نمی‌نهند. اما این بار حکم برای کسانی صادر شد است که درگیر نبرد برای ، زندگی، آزادی و خوشبختی خویشند. حکم تعیین جایزه برای ستن از رهبران حزب کارگران کردستان "مراد قرایلان، جمیل بایک، و دوران کالکان" با هیچ نرم و سنت حقوقی و قضائی ظاهرا مورد قبول دنیای متمدن خوانائی ندارد، جمعیت کردهای مقیم فرانسه (پاریس) ضمن محکوم کردن این درخواست غیر انسانی، و غیر اخلاقی، هم آوا با تمام آزادیخواهان جهان از محافل و سازمانهای مدعی دفاع از حقوق بشر می‌خواهد که در نقض این فرمان نابجا هر آنچه درتوان دارند را بکار بندند.

جمعیت کردهای مقیم فرانسه (پاریس)

۱۲.۱۱.۲۰۱۸

باز هم قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای؟!؟

گزارش جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر در ایران

(عضو فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر)

بیستمین سالگرد قتل زنده‌یادان پروانه و داریوش فروهر، محمد جعفر پوینده و محمد مختاری (دو عضو کانون نویسندگان) در سال ۱۳۷۷ به دست ماموران وزارت اطلاعات به زودی فرا می‌رسد.

آیا قتل‌های سیاسی معروف به زنجیره‌ای مخالفان و منتقدان دوباره در

دستور کار قرار گرفته است؟

آیا این نوع قتل‌های فراقضایی در نزدیک به چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی هرگز متوقف شده است؟ یا در دوره اخیر فقط فعالان «غیرسرشناس» به قتل می‌رسیدند و خبر قتل آنها کمتر پخش می‌شد؟

دست‌کم ۲۰ فعال محیط زیست در چند ماه گذشته در شرایط به‌شدت مشکوک جان باختند.

قتل فرشید هکی، حقوق دان و فعال محیط زیست، روز چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۳۹۷ (۱۷ اکتبر ۲۰۱۸) در زمانی رخ داده است که شماری از فعالان بازداشت شده محیط زیست به فساد فی الارض متهم شده‌اند.

پیش‌تر، دکتر سید کاووس سیدامامی، فعال محیط زیست، در بهمن ماه در ۱۳۹۶ زندان «خودکشی کرد». سپس در اواخر بهمن، هواپیمای گروهی از فعالان محیط زیست به کوه دنا «برخورد» کرد و همه سرنشینان کشته شدند؛ احمد نظری، دکترای تخصصی و دارای علایق پژوهشی در زمینه‌هایی مانند کنترل آلودگی محیط زیست؛ غلامعلی احمدی، دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت و مدرس دانشگاه آزاد بهبهان، نویسنده مقاله برنامه‌ریزی برای تغییر رفتار در جهت حفظ محیط زیست؛ سلمان شریف آذری، محقق حوزه محیط زیست؛ مهدی جاویدپور، روزنامه‌نگار فعال محیط زیست؛ حامد امیری مهندس کشاورزی، محقق علوم و تکنولوژی محیط زیست؛ سیدبهراد سیادتی، کارشناس ارشد زمین‌شناس؛ اردشیر راد، مهندس کشاورزی و منابع طبیعی؛ مصطفی رضایی، کارشناس کشاورزی و منابع طبیعی؛ علی زارع، محقق حوزه کشاورزی و منابع طبیعی؛ محمد فهیمی؛ علی فرزانه؛ سیدرضا فاطمی‌طلب؛ احمد چرمیان؛ خلیل آهنگران؛ مزگان نظری؛ بهنام برزگر. دو برادر فعال محیط زیست به نام‌های محمد صادق و محمدباقر یوسفی نیز در اوایل اسفند ۱۳۹۶ در شهر جم استان بوشهر در «تصادف رانندگی» جان باختند.

علاوه بر فعالان محیط زیست، باید یادی از فعال مدنی مریم فرجی کرد که در تیر ماه ۱۳۹۷ به قتل رسید. خبر زیر در ۲۳ تیر ۱۳۹۷ برابر با ۱۴ ژوئیه برابر با ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۸ منتشر شده بود:

پلیس آگاهی کرج از کشف جسد سوخته مریم فرجی، فعال مدنی ساکن این شهر، خبر داد و پزشک قانونی نیز با گرفتن دی‌ان‌ای از پدر وی هویت جسد را تایید کرد. پلیس آگاهی از پیدا شدن جسد رهاشده مریم در داخل خودرو اش خبر داده است.

مریم فرجی، ۳۳ ساله دانشجوی ارشد مدیریت بین‌الملل و مدیر مالی

شرکتی در شهریار ، روز ۱۲ دیماه همزمان با ناآرامی های دیماه بازداشت و مدت ۱۰ روز در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات در زندان اوین تحت بازجویی بود.

دادگاه بدوی وی در تاریخ ۱۹ فروردین ۹۷ در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست احمدزاده برگزار شد و این دادگاه حکم ۳ سال حبس تعزیری و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور را برای او صادر کرد. روز پنج شنبه (۱۴ تیر ۱۳۹۷ / ۵ ژوئیه ۲۰۱۸)، نیروهای امنیتی در کرج مریم فرجی را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده بودند.

حال، ناپدید شدن هاشم خواستار، رئیس پیشین کانون صنفی معلمان مشهد، در روز اول آبان ۱۳۹۷ (۲۳ اکتبر ۲۰۱۸) به نگرانی‌ها دامن زده است. آقای خواستار در سال‌های گذشته بارها بازداشت شده و نیز دو سال در زندان به سر برده بود.

گزارش زیر را نیز درباره فرشید هکی از ایران وایر بخوانید:

<https://iranwire.com/fa/features/28126>

جزئیات بیشتر از پرونده قتل فرشید هکی

از چهارشنبه شب هفته گذشته که عبدالرضا داوری، فعال سیاسی و رسانه‌ای ساکن تهران در حساب توئیتری خود از «قتل فجیع دکتر فرشید هکی» حقوق دان و فعال محیط زیست خبر داد تا امروز، گمانه زنی‌ها و اخبار در مورد شیوه و علت مرگ او چندین بار رنگ عوض کرده است.

جسد آقای «هکی»، ساعت شش بعد از ظهر روز چهارشنبه بیست و پنجم مهرماه در یک دستگاه خودرو پژو در حال سوختن کشف شد.

فرشید هکی، دانش‌آموخته رشته «حقوق بشر» و عضو کمپین محیط زیستی «صدای پای آب» بود که انتقادهای تندی از وضعیت حاکم بر کشور داشت.

همین انتقادهای در کنار شیوه اطلاع رسانی مبهم دستگاه های مسئول از حمله پلیس و قوه قضائیه در باره علت مرگ ("خودکشی" یا "قتل")، زمینه شایعات فراوانی را در میان افکار عمومی فراهم کرد.

اوج ابهام‌ها در این مورد دیروز ایجاد شد که خبرگزاری پلیس، ارگان خبری رسمی نیروی انتظامی «با توجه به گزارش رسمی پزشکی

قانونی، هر گونه وقوع جنایت در پرونده فوت متوفی» را رد و اعلام کرد آقای «هکی» بر اثر «خودسوزی» جان داده است.

این اظهار نظر نیروی انتظامی از همان ساعات اولیه مورد تردیدهای جدی قرار گرفت.

رسانه نیروی انتظامی در این خبر، برای اثبات ادعای خود به گفته های «خانواده و نزدیکان» این حقوق دان و فعال سیاسی استناد کردند که «وی بارها با خانواده خود در مورد مشکلات مالی صحبت کرده و از قصد خود برای پایان دادن به زندگی خبر داده بود.»

همین ادعاها را هم زمان، سردار رحیمی «فرمانده انتظامی تهران بزرگ»، در گفتگو با خبرگزاری دولتی «ایسنا» و «تسنیم» وابسته به سپاه پاسداران با استناد به «گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی» اعلام کرد.

با این حال، خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه دیروز به نقل از سازمان «پزشکی قانونی» هر گونه اظهار نظر در این رابطه را رد و ضمن اعلام ادامه تحقیقات نوشت که سازمان پزشکی قانونی «هرنوع نتیجه و علت فوت» را به قاضی پرونده اعلام می کند.

بعد از صدور این تکذیبیه از سوی سازمان پزشکی قانونی، خبرگزاری رسمی نیروی انتظامی هم خبر «خودسوزی» آقای هکی را از سایت خود حذف کرد.

انتشار اخبار خودسوزی آقای «هکی» با استناد به گفته های او در میان اعضای خانواده بدون اشاره به نام آنها و مهم تر از آن، استناد دروغین به گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی در حالی که هنوز تحقیقات تمام نشده بود، بخشی از افکار عمومی را به سمت «ترور سیاسی» خواندن این مرگ پیش برد.

عده ای حتی این ماجرا را به دلیل فعالیت های محیط زیستی آقای «هکی»، به دستگیری چند فعال محیط زیستی مرتبط دانستند و احتمال این را مطرح کردند که این حقوق دان به دلیل این فعالیت ها که احتمالاً با منافع برخی باندهای قدرت در تضاد بوده، ترور شده است.

تلاش آقای هکی برای تأسیس یک حزب سیاسی و مخالفت چندین باره حکومت با این اقدام و ابراز نگرانی های او از «فقر» و «فروپاشی اجتماعی» در روزهای تبلیغات انتخابات شوراهای شهر و روستا که

ویدئوهای آن در این چند روز در شبکه های اجتماعی دست به دست می شد، این گمانه زنی ها را بیشتر از قبل تقویت کرد.

در این میان البته کسانی هم بودند که «اختلاف شخصی» این حقوق دان را زمینه «قتل» او دانستند.

محمد مقیمی، وکیل دادگستری و فعال حقوق بشر که شاگرد فرشید هکی در زمان حیاتش بوده و وکالت او را هم بر عهده داشته، در مورد نتیجه تحقیقات پلیس جنایی می گوید: « چهارشنبه ساعت هفت شب پلیس منطقه باغ فیض با خانواده آقای هکی تماس گرفته و برای شناسایی جسدی که در ماشین به آتش کشیده شده، دعوتشان می کند. آقای هکی ساعت یازده صبح همان روز از منزل خارج شده بود. به گفته مقامات پلیس این اتفاق در ساعت شش بعد از ظهر همان روز روی داده است. تا امروز مراحل تشخیص هویت انجام نشده و از دختر آقای هکی برای این کار، آزمایش دی ان ای گرفتند. به گفته پلیس، ابتدا چند ضربه چاقو به ناحیه شکم آقای هکی وارد شده و بعد از مرگ، ماشین او به آتش کشیده شده است.»

به گفته آقای مقیمی، «یک کارمند یک شعبه بانک صادرات در خیابان سیمون بولیوار، یک پژو پرشای سفید را مشاهده کرده و شماره پلاک آن را یادداشت و به پلیس داده است. فعلا سرنشینان این ماشین مشکوک هستند.»

محمد مقیمی وکیل دادگستری در مورد احتمال وقوع قتل با انگیزه های سیاسی، معتقد است: « تحقیقات قضایی در مراحل ابتدایی است و حتی هنوز به صورت رسمی جسد او شناسایی نشده است. آقای هکی به عنوان یک حقوقدان، در پروژه های مختلفی به عنوان کارشناس یا مشاور فعالیت داشت. یک ماه پیش شکایتی از او انجام شد که در دادگاه، قرار منع تعقیب برای آقای هکی صادر شد. همه احتمالات را می توان وارد دانست و حتی ممکن است اختلاف شخصی منجر به این جنایت شده باشد. برای تشخیص علت اصلی قتل، ما از مقامات قضایی خواستیم اکانت های او در شبکه های اجتماعی را بررسی کنند.»

این فعال حقوق بشر درباره اطلاعیه نیروی انتظامی و تأکید این نهاد بر «خودسوزی» آقای هکی، معتقد است: « احتمالاً برای خواباندن جو شایعات، اطلاعیه های کذب صادر شده، خواهش من از رسانه ها و فعالان سیاسی این است که تا پایان تحقیقات، صبر کنند و گمانه زنی نکنند.»

او با تاکید بر اینکه صدور اطلاعیه ها و اظهارنظرهای غیر واقعی از سوی برخی مسئولان که با هدف پایان دادن به شایعات انجام شده بود، عملاً نتیجه عکس داده، می‌گوید: «بخشی از افکار عمومی با استناد به همین اظهارات متناقض نتیجه گرفت که احتمالاً رخدادی مشکوک اتفاق افتاده و مسئولان برای جلوگیری از لو رفتن قضیه این حرکات شتاب زده را انجام می دهند.»

کارزار اعتراضی در هانوفر آلمان علیه موج اخیر اعدام‌ها و جنایت جمهوری اسلامی در کردستان

فراخوان

دعوت به شرکت در آکسیون اعتراضی ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۸

در هانوفر- آلمان

باز هم اعدام و جنایت جمهوری اسلامی در کردستان

هم زمان با اعدام جنایتکارانه زندانیان سیاسی کرد رامین حسین پناهی، زانیار و لقمان مرادی، در اقدامی از پیش طراحی شده، مزدوران رژیم با موشک مقرر و دفاتر حزب دموکرات کردستان و حزب دموکرات کردستان ایران را مورد حمله قرار دادند که متأسفانه منجر به جان باختن بیش از ده نفر از اعضای کمیته مرکزی و شماری زیادی از پیشمرگه‌های حزب شده است. این عمل تروریستی بی جواب نخواهد ماند.

با خیزش فرودستان شهری در دی ماه سال پیش، شکاف درون بالایی‌ها تشدید شده و بحران مشروعیت که محصول چهار دهه سیاه‌کاری و تخریب شرایط زندگی مردم از سوی رژیم اسلامی به مراتب حادث شده است. این بحران مزمن سیاسی اقتصادی، اجتماعی زیست محیطی تار و پود نظام

ترور و نکبت جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. رژیم می که با حمله به کردستان در نوروز ۵۸، کشتار خلق عرب در خوزستان، ترور رهبران خلق ترکمن و صیادان بندر انزلی... سرکوب را آغاز کرده، و به نام صدور انقلاب در کشورهای همسایه هیزم جنگ هشت ساله را تهیه کرده؛ و زیر لوای جنگ خانمانسوز ماشین سرکوب را بازسازی کرده و در خدمت شناسایی نیروهای مبارز مورد استفاده قرار داد. رژیم اسلامی با ایجاد دستگاه سرکوب مختص خود، بخش اعظم منتقدان و مخالفان خود را سرکوب و تارومار کرده که کشتار دهی شصت به ویژه قتل و عام زندانیان سیاسی با فرمان خمینی جلاد قرن در سال شصت و هفت، یکی از نقاط عطف ماهیت درنده خوی این رژیم را نمودار میسازد.

در شرایطی که تحریم امریکا و کاهش فروش نفت شاهرگ نظام ترور اسلامی را نشانه گرفته، و رژیم را تا لبه پرتگاه کشانده است، اعدام جوانان مبارز کرد و بمباران دفاتر احزاب دموکرات پیامی روشنی از تشدید فضای ارباب و سرکوب دارد. اما تشدید سرکوب از سوی رژیم اسلامی در شرایطی دارد انجام می شود که جان مردم از فقر به لب رسیده، تبعیض بیداد می کند، اختلاس و فساد سرتا پای رژیم را در بر گرفته است. مردم به هزار زبان در سخن اند که این نظام ترور و وحشت باید به گورستان تاریخ سپرده شوند.

ما ضمن تسلیت به خانواده جان باختگان و احزاب دموکرات کردستان آرزوی سلامتی برای زخمی های این حادثه اعلام می کنیم که این اقدام جنایتکارانه اسلامی بی پاسخ نخواهد ماند و آتش خشم مردم دیر یا زود دامن پایوران این نظام را خواهد گرفت.

از این رو، ما مدافعان آزادی و برابری در تظاهرات شنبه ۱۵ سپتامبر ساعت سه و نیم مرکز شهر شرکت کنیم و صدای اعتراض خود را علیه این جنایات هولناک به گوش بشریت ترقیخواه و مدافع ارزشهای انسانی میرسانیم.

زنده باد آزادی و برابری

کانون کنشگران دموکرات و سوسیالیست ها نوفر

پنج سندیکای فرانسوی در نامه‌ای بسته خواستار آزادی فوری محمد حبیبی شده‌اند

نامه سندیکاها به آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

[متن نامه به زبان فرانسه](#)

آیت‌الله سید علی خامنه‌ای

رهبر جمهوری اسلامی ایران

دفتر رهبری

خیابان کشور دوست

تهران، ایران

پاریس ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۸

آقای رهبر

سازمان‌های سندیکائی فرانسوی س.ا.ف.د.ت، س.ژ.ت، اف.اس.او، سولیدر،
او.ان.اس.آ، توجه شما را نسبت به وضعیت محمد حبیبی، معلم و
سندیکالیست ایرانی جلب می‌کند.

در تاریخ ۴ اوت ۲۰۱۸ محمد حبیبی به ده سال و نیم حبس محکوم شد.
مضافاً آن که دادگاه او را به ۷۴ ضربه شلاق و ۲ سال ممنوعیت هر نوع

فعالیت سیاسی و اجتماعی محکوم کرد.

محمد حبیبی، عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران، یکی از بسیار مبارزان سندیکایی مستقلی است که به خاطر پیگیر بودن شان در فعالیت های قانونی توسط رژیم تحت پیگرد و آزار قرار گرفته اند. او در ماه مه در حالی که در یک تظاهرات آرام شرکت داشت، دستگیر می شود و از آن تاریخ در زندان در شرایط بسیار دشواری بسر می برد. به گفته اعضای خانواده اش پس از ملاقت با او در زندان، در زندان با او به شدت بد رفتاری کرده اند. مقامات زندان کماکان از ارائه خدمات درمانی و معالجات اضطراری، که او به شدت بدان ها نیاز دارد، دریغ می ورزند. بدون معالجات لازم، خطر وخیم تر شدن سریع وضعیت سلامتی او بسیار است. یادآور می شویم که شما در مقام رهبر جمهوری اسلامی ایران مسئول سلامتی و جان محمد حبیبی هستید.

اخبار رسیده حاکی از دشوارتر شدن دنیای کار در ایران است. جمهوری اسلامی ایران نشان داده که تعهدات خود در قبال توافق نامه های بین المللی سازمان جهانی کار، که حق کارگران ایران را در ایجاد تشکلات مستقل به رسمیت می شناسد، مراعات نمی کند.

حبس محمد حبیبی تخطی از حقوق بشر و آزادی های اساسی سندیکایی است. از این رو ما خواستار آزادی فوری او هستیم. همچنین به دلیل نقض همین حقوق، ما آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالان زن و مرد زندانی، از جمله اسماعیل عبیدی و محمود بهشتی، معلمان دربند را خواستاریم، کسانی که هدفی جز فعالیت های سندیکائی و دفاع از حقوق قانونی مزدبگیران ندارند.

با تقدیم احترامات

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار

کنفدراسیون عمومی کار

فدراسیون متحده سندیکایی

اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر)

اتحاد ملی سندیکاهای مستقل

رونوشت به:

آقای حسن روحانی، رئیس جمهور

آقای صادق لایجانی، رئیس قوه قضائیه

سفیر ایران در پاریس